

معماری ارگانیک، سازگار با محیط زیست

واژه معماری ارگانیک که در قرن بیستم میلادی از سوی فرانک لوید رایت یکی از پیشگامان معماری نوین ابداع شد، در حقیقت بر ایجاد هماهنگی بین عادت‌های انسانی و طبیعت اشاره دارد. رایت با تاکید بر استفاده از خطوط افقی هر چه بیشتر بر ارتباط و هارمونی بین معماری و طبیعت تاکید کرد.

البته بعدها دیگر معماران راز و رمزهای دیگری را نیز بر این سبک متفاوت معماری افزودند. در معماری ارگانیک تلاش می شود تا حد امکان طرح با محیط خود سازگار و یکدست باشد. از نمونه های مشهور این سبک معماری می توان به خانه آبشار واقع در ایالت پنسیلوانیا، پشت بام های سبز دانشگاه سنگاپور، استادیوم المپیک مونیخ، خانه پولادی روبرت برونو متاثر از آثار هنرمندان فراواقعیت گرایی همچون آنتونی گائودی و سالوادور دالی، پروژه مرکز اکولوژیکی انگلستان، هتل گیمارد و ورودی های مترو پاریس در فرانسه، خانه میلا واقع در بارسلونا اسپانیا و چند نمونه دیگر اشاره کرد.



در ایران نیز گرایش به این نوع خاص از معماری وجود داشته و دارد. طرح هایی مثل محوطه سازی پارک حاشیه ای چمران و خواجهی کرمانی در شهر شیراز (توسط مهرداد ابروآنیان)، طراحی فضاهای قدیمی پارک جمشیدیه تهران و مجتمع فرهنگی - ورزشی و گردشگری کوهسنگی مشهد (از سوی غلامرضا پاسبان حضرت) نمونه هایی هستند که در قالب طراحی محیط و منظر متبلور شده اند. سرانه قابل قبول فضاهای سبز شهری در ایران براساس مطالعات و بررسی ها رقمی بین ۷ تا ۱۲

مترمربع برای هر نفر عنوان شده که البته این میزان با معیار و تعریف بخش محیط زیست سازمان ملل ۲۰ تا ۲۵ مترمربع به ازای هر نفر تفاوت آشکاری دارد. باید در نظر داشت که ویژگی های جغرافیایی، اقلیمی و در مجموع خصوصیات زیست اقلیمی منطقه و شهر بر این میزان بشدت تاثیرگذار است. چنانچه سرانه فضای سبز کلانشهری همچون تهران طبیعتا با شهری همچون اهواز متفاوت خواهد بود.



از مرز پیچیدگی تا اوج سادگی

معماری ارگانیک یا معماری سبز یا معماری اکولوژیک به نوعی حاصل رویکرد ذاتی انسان در پذیرش مهم ترین اصل حیات یعنی احترام به طبیعت و نه لزوما مهار آن است. از آلبرت اینشتین جمله معروفی به این مضمون نقل شده: رویکرد ذاتی و بصری تنها چیزی است که می توان روی آن حساب کرد

هر کسی نمی تواند از خود یک تعریف برای معماری ارگانیک ارائه کند. زیرا این تعریف شناور نیست. اگر تعاریف ما گاهی با هم تفاوت می کند شاید تنها دلیلش عدم شناخت از معماری ارگانیک است. از نظر مفهومی و نه صد البته ادبی و تیتروار، معماری ارگانیک حاصل کنار هم قرار گرفتن چند واژه است: همگامی و همسازی، طبیعت (محیط زیست)، حفاظت، ترمیم (بازگشت دوباره به محیط یا همان بازیافت)، صرفه جویی و چند مورد دیگر. ما تاکنون در هر بخشی نگاهی به این موارد داشته ایم. برای مثال یک جا بحث حفاظت از محیط زیست، یک جا بحث صرفه جویی انرژی و در جای دیگر بحث همگامی با طبیعت و رابطه ارزش های طبیعت با روح انسان را مطرح کرده ایم. اما تنها تعریفی که تمامی این ویژگی ها را در خود لحاظ کند، بهترین تعریف از معماری ارگانیک است. یعنی هر چقدر که در یک معماری نشانه هایی مثل حفاظت، صرفه جویی و هماهنگی با محیط را بهتر بتوان دید؛ آن معماری بیشتر به سمت معماری ارگانیک میل کرده است.

افق معماری ارگانیک

نیاز جوامع انسانی اعم از شهری و روستایی بازگشت به طبیعت و ارتباط متقابل با آن است و شهروندان کلانشهرها این نیاز را امروزه بخوبی درک می کنند. ما اگر از امروز نخستین قدم را برای نزدیک شدن به توسعه پایدار شهری برداریم، در آینده حتما شهرها و خانه هایی سالم تر خواهیم داشت. تلاش برای استفاده از انرژی زمین گرمایی، بهره برداری از سلول های خورشیدی، تشویق برای آشتی با طبیعت حتی از طریق ساماندهی باغچه های کوچک و سبز در تراس های منازل، همه از جمله اقدامات مثبتی است که مشارکت جمعی را می طلبد. انسان مدرن امروزی چاره ای جز تجدیدحیات اکولوژیک ندارد. در حقیقت ما مجبوریم که با درخت زندگی کنیم و این الزام صرفا به واسطه بهره مندی از زیبایی نیست؛ بلکه نیاز است که ما را اجبارا به آن سمت خواهد برد.

زهرا رضاپور منفرد/کارشناس ارشد معماری